فهرست مطالب

[اشاره 1](#_Toc440231255)

[اقسام پیامدهای اعمال 1](#_Toc440231256)

[استلزام حکم شرعی از پیامدهای اخروی 1](#_Toc440231257)

[مصالح و مفاسد دنیوی 2](#_Toc440231258)

[صور مختلف مصالح و مفاسد دنیوی 2](#_Toc440231259)

[نسبت مصالح و مفاسد دنیوی با احکام شرع 2](#_Toc440231260)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

## اشاره

مبحث ششم در مباحث مربوط به تعلیلات و حِکَم، پیرامون این بود که اگر به علل و حِکمی بدون بیان حُکمی و در غیر قالب بیان حکمی در آیات و روایات اشاره شد، آیا می‌شود از آن‌ها حکم استفاده کرد یا نه ؟ و اگر می‌شود این حکم الزامی است یا غیر الزامی؟

در بحث گذشته بیان شد که این علل و حِکم که در روایات صادر می‌شود، گاهی همراه با خطاب حکمی است و گاهی مجرد از یک خطاب و بیان حکمی است.

شکل اول این است که امرونهی‌ای آمده است و بیان کننده بعث و زجر است و خطاب تشریعی انشائی وجود دارد و این خطاب شرعی به علتی و حکمتی و مصلحتی و مفسده‌ای مستند شده است. در این صورت بحثی نداریم.

اما بحث ما در صورت دوم است که در دلیل، بدون اینکه یک بیان حکمی باشد شارع به یک مصلحت و مفسده‌ای اشاره‌کرده است. در مثل «**قلة العیال احد الیسارین**»[[1]](#footnote-1)، هیچ خطاب انشائی در این کلام نیست و همین قسم از مبحث ششم محل بحث است.

در این صورت گفته شده است که آیا این نوع از بیان مستلزم حکم است؟ در صورت مثبت بودن جواب آیا می‌شود حکم الزامی استفاده کرد و یا حداکثر می‌تواند حکم ترجیحی را افاده کند؟

## اقسام پیامدهای اعمال

بعد رسیدیم به این نکته که این حکم و مصالحی که در روایاتی از این نوع دوم مورداشاره قرار می‌گیرد و یا به‌طورکلی پیامدهایی که برای افعال و اعمال ذکر می‌شود به دو تقسیم ذکر می‌شود:

1. پیامدهای اخروی را بیان می‌کند.

2.سلسله‌ای از پیامدهای دنیایی است.

### استلزام حکم شرعی از پیامدهای اخروی

قسم اول را تقسیم کردیم به برزخ و قیامت و بهشت و جهنم و در مورد قسم اول گفتیم که بیان پیامدهای اخروی مستلزم حکم شرعی است و حکم از آن بیرون می‌آید .

نسبت به سؤال دوم و الزامی بودن حکم، تفضیل دادیم که اگر حکم بیان شده، عقاب باشد علی‌الاصول مستلزم الزام است، مگر قرینه خاصی باشد و اگر حکم بیان شده، ثواب باشد گفتیم مستلزم الزام نیست مگر قرینه خاصی باشد. در هر یک از عقاب و ثواب استثنائاتی است که در جلسه قبل گفتیم .

## مصالح و مفاسد دنیوی

می‌رسیم به قسم دوم که بیان مصالح و مفاسد دنیوی باشد .

### صور مختلف مصالح و مفاسد دنیوی

#### 1. مصالح و مفاسدی که پیامد اخروی به دنبال دارند.

بعضی از مصالح و مفاسدی که در روایات بیان می‌شود، روح آن همان اخروی بودن است. مثل‌اینکه گفته می‌شود هر کس فلان کار را انجام دهد، توفیقش سلب می‌شود که نماز شب نخواند یا دعایش مستجاب نمی‌شود یا دچار قساوت قلب می‌شود یا روحش مکدر می‌شود. این مصالح و مفاسد هرچند مربوط به این دنیا است، ولی پیامدهای دنیوی است که در ذات خود پیامدهای اخروی دارد. این قسم محل کلام نیست و ملحق به قسم اول می‌شود که اخروی بودند و اگر مستلزم عقابی باشد مستلزم حکم خواهد بود که حکم الزامی هم خواهد بود و این صورت اول از قسم دوم مقصود ما نیست.

#### 2. مصالح و مفاسدی که پیامد اخروی به دنبال ندارند.

سخن در صورت دوم از قسم دوم است که محل بحث بوده و بیان پیامدهای دنیوی می‌کند که ما نمی‌دانیم پیامد اخروی را هم به دنبال دارد یا نه، مثل «**قلة العیال احد الیسارین**»[[2]](#footnote-2)، که ما نمی‌دانیم که تأثیر اخروی هم دارد یا نه و به مسائل اخروی گره خورده است یا نه. مثلاً گفته می‌شود خوردن پنیر و گردو این خاصیت را دارد که در آن، خطاب شرعی نیست و امرونهی‌ای وجود ندارد و ما نمی‌دانیم که به آخرت گره خورده یا نه چراکه محض مسائل دنیوی است.

بحث خیلی مهمی است که مصالح و مفاسد محض دنیایی می‌تواند حکم ساز باشد یا نمی‌تواند. اگر هم آری درجه حکمش هم سؤال دوم است .

برای اینکه ما برسیم به پاسخ این سؤال که در قسم اخیر از محل کلام است باید یک مبحث دیگری را بیان کنیم که سؤال پایه‌ای است و ابتدائاً باید جواب داده شود تا بحث را ادامه بدهیم.

### نسبت مصالح و مفاسد دنیوی با احکام شرع

باید ببینیم مصالح و مفاسد دنیوی نسبتش با احکام چه چیز است و این مصالح و مفاسد دنیوی چه نقشی را ایفا می‌کند.

امور دنیوی در ارتباط با احکام شرعی چند قسم است:

1. امور دنیوی است که به‌عنوان فواید حکم بدون اینکه تأثیری در حکم شرعی داشته باشد ایرادشده است و شارع تنها به‌عنوان فوایدی که بازتاب‌های حکم است و بالاصالة مدنظر شارع نبوده، بیان کرده است. این‌ها فواید حکم می‌باشند و این امر دنیوی که فایده به‌حساب آمده است نقشی در حکم شارع نداشته است.

2. مصالح و مفاسد امور دنیوی باشد که مؤثر در امور اخروی و معنوی باشد.

مصالح و مفاسد دنیوی را می‌شود تصور کرد که متصل و پیوست خورده به امور اخروی باشند. این‌که کسی خوش‌اخلاق باشد باعث می‌شود که زندگی دنیایی‌اش راحت‌تر باشد، ولی همین نوع زندگی اثر اخروی هم دارد، حال به شکل جزء العلة یا علت تامه، حالات مختلف و متفاوتی دارد ولی فی‌الجمله با آثار اخروی گره خورده است که اگر این‌گونه باشد شارع آن را دخیل در حکم قرار می‌دهد.

3. عملی باشد که مؤثر در زندگی دنیایی است و زندگی دنیایی با آن خوب یا بد می‌شود، ولی در عالم واقع پیوندی با امور اخروی ندارد، امور دنیوی غیر مؤثر در امور اخری و باطنی و معنوی ماورای عالم است؛ مثل رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی ..

#### بیان سؤالات در ارتباط با قسم اخیر

سؤال اول اینکه آیا ما این‌گونه موردی داریم یا نه؟ آیا ما عمل دنیوی داریم که بازتاب اخروی نداشته باشد؟ یعنی مصالح و مفسده‌ای که بازتاب اخروی نداشته باشد و اثری روی آخرت نداشته باشد.

سؤال دوم اینکه اگر هم داریم آیا در مقام اثبات می‌توانیم تشخیص بدهیم که از همین قبیل هستند یا نه؟

این دو سؤال از سؤالات مردافکن هستند. در مباحث روشنفکری نیز موردبحث واقع‌شده است.

سؤال سوم هم این است که در قلمرو دین آیا چیزی که تنها امر دنیوی شد، شارع می‌تواند در آن دخالتی بکند و بنای بر دخالت داشته باشد.

سؤال چهارم اینکه آنجایی که دنیایی محض است و شارع هم در آن دخالت می‌کند آیا بعد از دخالت او ثواب و عقاب اخروی پیدا می‌کند یا نه؟ مثل پزشکی

این چهار سؤالی است که در اینجا وجود دارد .

#### تعیین موضع در مورد سؤالات

در خصوص سؤال اول که آیا مصالح و مفاسد دنیوی، همه‌اش به آخرت گره خورده است و نتایجی در آن عالم دارد و یا می‌تواند مصالح و مفاسد محضه دنیوی باشد و تجلی‌ای در آخرت نداشته باشد، گفته شده است که در عالم ثبوت قابل تصویر است که مصالح و مفاسد دنیوی محض وجود داشته باشد که ملازم با مصلحت و مفسده اخروی نباشد و فی‌الجمله نمی‌شود این را نفی کرد و از لحاظ اثباتی هم چیزی نیست که بگوید همیشه مصلحت و مفسده دنیوی مصلحت و مفسده اخروی را به دنبال دارد.

دلیل قاطعی بر این مطلب نداریم که مصالح دنیوی به مصالح اخروی مبدل بشود و از لحاظ عقلی، امکان مصالح محض دنیوی وجود دارد، هرچند غالباً به نحوی است که مصالح دنیوی، مصالح اخروی را به دنبال خواهد داشت.

در بحث نقلی هم در جستجوهایی که داشته‌ایم گفته نشده است که همه مصالح و مفاسد دنیوی به نحوی مصالح و مفاسد اخروی هم باشد و روایات مثل «الدُّنْيَا مَزْرَعَةُ الْآخِرَة»[[3]](#footnote-3)دلیل آن‌چنانی نیست که بگوید همه مصالح و مفاسد شما اثر اخروی هم دارد.

1. . من لایحضره الفقیه، ج 4، ص 416 [↑](#footnote-ref-1)
2. . همان [↑](#footnote-ref-2)
3. . مجموعة ورام ؛ ج‏1 ؛ ص183 [↑](#footnote-ref-3)